

## مفهوم سیره در احادیث شیعه

### مؤلفه‌ها و نشانه‌ها

مهدی مردانی گلستانی<sup>۱</sup>

#### چکیده

مفهوم شناسی اصطلاحات دینی یکی از مسائل مهمی است که دستیابی به نتایج دقیق تحقیق، در گرو درستی و اعتبار آن است. یکی از واژگانی که به صورت پر شمار در احادیث شیعه به کار رفته است، اصطلاح سیره است. این اصطلاح که از واژگان کلیدی مطالعات سیره اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌گردد، از جهات متعددی نظیر رابطه با سنت، اشمال بر قول و اشتراط تکرار، مورد ابهام قرار گرفته است. پژوهش حاضر کوشیده است تا با تکیه بر احادیث شیعی و تحلیل و پردازش آنها، تبیینی در خور نسبت به مفهوم و ماهیت این اصطلاح حدیثی ارائه کند. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که سه مؤلفه فعل، روش و استمرار، اصلی‌ترین مؤلفه‌های مفهوم سیره هستند که برای هر یک از آنها، نشانه‌هایی در روایات شیعه بیان شده است. مواردی چون ترک و قول معصوم از نشانه‌های فعل، مصدر نوعی، بیان چگونگی انجام فعل و ذکر ترتیب و تعداد از نشانه‌های روش، و ویژگی زبانی و خصوصیت فرازمانی از جمله نشانه‌های استمرار است.

---

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، mahdi\_mardani@islamic-rf.ir

## مقدمه

مطالعه و تحقیق درباره مفهوم واژگان دینی یکی از حوزه‌های پژوهشی است که در سال‌های اخیر توجه زیادی نسبت به آن صورت گرفته است. یکی از این واژه‌های مهم و پربسامد احادیث، کلمه «سیره» است که علی‌رغم دیدگاه‌های متعددی که درباره معنا و مفهوم آن بیان شده است،<sup>۱</sup> تعریف دقیق و جامعی از آن به دست داده نشده و سوالات متعددی درباره مفهوم آن بی‌پاسخ مانده است؛ پرسش‌هایی مانند اینکه تفاوت سیره و سنت در چیست؟ آیا سیره شامل قول می‌شود؟ آیا استمرار در مفهوم سیره شرط است؟ آیا وجود روش در سیره لازم است؟ از این‌رو، ضروری است تا از طریق ساماندهی مطالعات پیشین و رفع ابهامات باقی مانده، پاسخی در خور نسبت به چیستی و ماهیت این اصطلاح حدیثی ارائه گردد. برای این منظور، برخی پرسش‌هایی که موجب نمایاندن ابعاد مختلف مفهوم سیره می‌گردد، مطرح و با استناد به متون حدیثی پاسخ گفته شده است.

گفتنی است در این باره تلاش‌های ارزنده‌ای صورت گرفته و پژوهش‌های متعددی به نگارش در آمده است؛ چنانکه شهید مطهری در کتاب سیری در سیره نبوی و مصطفی دلشاد تهرانی در کتاب سیره نبوی (منطق عملی) هر یک به تعریف سیره پرداخته‌اند؛ همچنین برخی محققان در مقالات خود به تبیین معنای سیره همت گماشته و برخی وجوه آن را کاویده‌اند؛ برای مثال، مقاله «سیره و قرآن» اثر وین راون و مقاله «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین» نگاشته مهدی مهریزی و غلام حسین میر از آن جمله است. لکن هیچ یک از آثار یاد شده به تحلیل همه جانبه مفهوم سیره نپرداخته‌اند و همه مسائل و ابهامات آن را پاسخ نگفته است. افزون بر آنکه رویکرد اصلی آثار یاد شده تاریخی و قلمرو مطالعاتی آنها اسلامی است، درحالی‌که، رویکرد این مقاله حدیثی است و بر اندیشه و مطالعات شیعی تمرکز دارد.

۱. برای نمونه نک: سیری در سیره نبوی، ص ۴۸؛ سیری در سیره نویسی، ص ۲۹ و ۳۰؛ سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰؛ سیره نبوی (منطق عملی)، ج ۱، ص ۴۷-۴۹.

## ۱. مفهوم شناسی سیره

شاخه مفهوم و معنای سیره در ادبیات روایی شیعه، نیازمند مطالعه‌ای فراگیر و همه جانبه است تا ابعاد و زوایای مختلف آن را روشن سازد. از این رو، به نظر می‌رسد بررسی مفهوم سیره در سه ساحت واژگانی، اصطلاحی و استعمالی، سه مرحله مختلفی است که ما را به فهم دقیق سیره نزدیک می‌گرداند. البته میزان تأثیر هر یک از عرصه‌های یاد شده یکسان نیست، اما مجموع داده‌هایی که از سه حوزه مذکور حاصل می‌شود، ما را در نیل به مقصود مورد نظر یاری می‌رساند.

### ۱.۱. مفهوم واژگانی

واژه «سیره» به جهت هیئت کلمه، اسم مصدر یا مصدر نوعی از «سیر» است که به ترتیب به معنای رفتار و نوع رفتن است.<sup>۱</sup> لکن اکثر لغت‌شناسان شکل دوم را ترجیح داده و سیره را به معنای نوع رفتن دانسته‌اند.<sup>۲</sup> این واژه به جهت ماده کلمه، دو استعمال حقیقی و مجازی دارد که در حالت اول به معنای رفتن، حرکت کردن و راندن است<sup>۳</sup> و در حالت دوم معنای هیئت، سنت، حالت و عادت را افاده می‌دهد.<sup>۴</sup> همچنین به نظر برخی صاحبان معاجم، بُن معنایی «سیره» بر استمرار دلالت دارد و واژه «سیر» به معنای جریانی است که

۱. «السَّيْرُ: الدَّهَابُ، و الاسمُ: السَّيْرَةُ... و السَّيْرَةُ: الصَّوْبُ مِنَ السَّيْرِ»، القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. المحکم و المحيط، ج ۸، ص ۵۷۱؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۳۸۹.

۳. «السَّيْرُ: المضي في الأرض... السَّيْرُ: الدَّهَابُ... السَّيْرُ: الدَّهَابُ و الاسمُ: السَّيْرَةُ»، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۴۳۲؛ المحکم و المحيط، ج ۸، ص ۵۷۱؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. «السَّيْرَةُ: الطريفة... و السَّيْرَةُ: السَّنَةُ... و السَّيْرَةُ الهَيِّئَةُ... و السَّيْرَةُ: الحالة التي يكون عليها الإنسان و غيره»، المحيط في اللغة، ج ۸، ص ۳۷۵؛ الصحاح (للجوهری)، ج ۲، ص ۶۹۱؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

شب و روز امتداد داشته باشد.<sup>۱</sup> در نتیجه، کلمه «سیره» دارای دو بخش معنایی است، یکی حرکت و جریان که از ماده کلمه گرفته می‌شود و دیگری سبک و نوع حرکت که از هیئت کلمه به دست می‌آید.

## ۱.۲. مفهوم اصطلاحی

واژه «سیره» در اصطلاح نامه‌های حدیثی حضور چندانی ندارد و جز در موارد محدود به تعریف آن پرداخته نشده است.<sup>۲</sup> در عوض، اهتمام این دست از کتاب‌ها به واژه «سنت» پر رنگ بوده و به تفصیل، به بررسی تعاریف ارائه شده از آن پرداخته‌اند.<sup>۳</sup> این در حالی است که واژه «سیره» در متون روایی بسامد بالایی دارد و جزء واژگان پر تکرار احادیث محسوب می‌شود؛ چنانکه بر اساس جستجوهای نرم افزاری، واژه «سیره» به صورت غیر تکراری ده‌ها بار در متون حدیثی شیعه به کار رفته است و تنها در چهار سده نخست هجری، در بیش از ۲۰ کتاب حدیثی آمده است. از این رو، واژه «سیره» در احادیث، دامنه استعمالی گسترده و شبکه معنایی متنوعی دارد که شایسته است با تحلیل و تبیین یافته‌های مفهوم‌شناسانه، به ویژگی‌های آن دست یافت.

## ۱.۳. مفهوم استعمالی

یکی از روش‌هایی که به کمک آن می‌توان به مفهوم یک واژه دینی دست یافت،

۱. «السين والياء والراء أصل يدل على مضيّ و جريان يقال سار يسير سيراً، و ذلك يكون ليلاً و نهاراً»، معجم مقاييس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. «السيرة لغة: هي الطريقة. يقال: سار بهم سيرة حسنة. و اصطلاحاً: الطريقة التي سار عليها رسول الله (ص) في حياته، منذ ولادته إلى وفاته و ما تحلّل ذلك من أحداث»، معجم المصطلحات الحديثية، ص ۴۱۲.

۳. نک: علوم الحديث و مصطلحه، قم، المكتبة الحيدرية، ۱۴۱۷ ق؛ معجم مصطلحات الحديث، رياض، مكتبة العبيكان، ۱۴۲۱ ق؛ معجم مصطلحات الحديث و لطائف الأسانيد، رياض، اضواء السلف، ۱۴۲۵ ق؛ معجم مصطلحات الرجال و الدراية، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ ق.

پی‌جویی استعمال و کاربردهای آن واژه در متون اسلامی است.<sup>۱</sup> از این‌رو، بررسی روایاتی که اصطلاح سیره را به کار برده‌اند، مرحله سومی است که ما را به نتیجه مورد نظر - یعنی مفهوم سیره در ادبیات روایات - رهنمود می‌سازد. یکی از نکاتی که از مطالعه استعمال «سیره» در احادیث به دست می‌آید، همنشینی آن با واژه «سنت»<sup>۲</sup> است که علی‌رغم افاده برخی مشابهت‌ها، حکایت از تفاوت و تمایز این دو واژه با یکدیگر دارد.<sup>۳</sup> چراکه، کاربرد دو واژه سیره و سنت در کنار هم (همنشین)، نه به جای هم (جانشین)، با ذکر کارکرد متفاوت برای هر یک از آنها، نشان از ناهمگونی معنایی این دو تعبیر دارد.<sup>۴</sup> نکته دیگر، عدم اشتراط «تکرار» در مفهوم سیره است. در واقع، انجام مکرر فعل در تحقق مفهوم «سیره» لازم نیست و به رفتار مشخصی که تنها یک مرتبه انجام گیرد نیز «سیره» گفته می‌شود؛ چنانکه به

۱. شایان ذکر است که بررسی استعمال «سیره» در اسامی کتب اسلامی و تحلیل نام‌گذاری آثاری که عنوان سیره را به کار برده‌اند، مسیر دیگری است که ما را به مفهوم متداول سیره هدایت می‌سازد. لکن به دلیل خروج این موضوع از مسئله تحقیق (مفهوم سیره در احادیث شیعه)، از طرح آن در این مجال خودداری و به مقاله دیگری از این قلم وانهاده شده است.

۲. «سنت» در لغت به معنای جریان یافتن، روان شدن و انجام دادن عمل به سهولت و سادگی است و در اصطلاح روایات، در معانی چندی همچون: عمل مستحب، واجب غیر قرآنی، سبک رفتار و مفهوم مقابل بدعت به‌کاررفته است. نک: شناخت نامه حدیث، ج ۱، ص ۳۹-۴۹.

۳. برای آگاهی از برخی نمونه‌های این همنشینی می‌توان به موارد ذیل رجوع کرد: المسترشد فی إمامة، ص ۳۶۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۷۴؛ التوحید، ص ۷۲؛ تحف العقول، ص ۳۰ و ۱۸۳؛ نهج البلاغه، خطبه ۹۴ و ۱۶۹.

۴. «فَهُوَ إِمَامٌ مِّنَ اتَّقَىٰ وَ بَصِيرَةٌ مِّنَ اهْتَدَىٰ سِرَاجٌ لَمَعَ ضَوْؤُهُ وَ شَهَابٌ سَطَعَ نُورُهُ وَ زُنْدٌ بَرَقَ لَمَعُهُ سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ»، (نهج البلاغه خطبه ۹۴)؛ «وَ لَكُمْ عَلَيْنَا الْعَمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَىٰ وَ سِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ الْقِيَامِ بِحَقِّهِ وَ النَّعْشِ لِسُنَّتِهِ»، (همان، خطبه ۱۶۹)؛ «يَا جَابِرُ لَا تَذْهَبَنَّ بِكَ الْمَذَاهِبُ حَسَبِ الرَّجُلِ أَنْ يَقُولَ أَحِبُّ عَلِيًّا وَ أَتَوَلَّاهُ ثُمَّ لَا يَكُونُ مَعَ ذَلِكَ فَعَالًا فَلَوْ قَالَ إِنِّي أَحِبُّ رَسُولَ اللَّهِ... ثُمَّ لَا يَتَّبِعُ سِيرَتَهُ وَ لَا يَعْمَلُ بِسُنَّتِهِ مَا تَقَعَهُ حُبُّهُ إِيَّاهُ شَيْئًا»، الکافی، ج ۲، ص ۷۴.

رفتار امیرالمومنین علیه السلام در جنگ جمل<sup>۱</sup> و نیز عملکرد پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه<sup>۲</sup> «سیره» اطلاق شده است، با آنکه به جهت وقوع خارجی تنها یک مرتبه اتفاق افتاده‌اند. نکته سوم، نسبت سیره با «مغازی» است<sup>۳</sup> که احادیث شیعه نشان از اشتغال واژه «سیره» بر مغازی و جنگ‌های پیامبر صلی الله علیه و آله دارد. گواه این مناسبت، روایتی است که اخبار جنگ را جزء مسائل سیره معرفی می‌کند و وقتی راوی پرسش‌هایی را در موضوع سیره مطرح می‌کند، سؤال از جنگ و غنائم آن را به عنوان یکی از مصادیق سیره بر می‌شمارد.<sup>۴</sup> افزون بر آن، تتبع در مصادیق سیره اهل بیت علیهم السلام نشان می‌دهد برخی از رفتارهایی که به عنوان سیره معرفی شده است در میدان جنگ و در صحنه نبرد رخ داده است.<sup>۵</sup>

## ۲. مؤلفه‌های مفهومی سیره

از مجموع داده‌های واژگانی، اصطلاحی و استعمالی چنین به دست می‌آید که سیره در ادبیات روایی شیعه، به معنای رفتار روشمندی است که استمرار داشته باشد. به واقع، سه عنصر فعل، روش و استمرار اصلی‌ترین مؤلفه‌های مفهومی سیره است که در شکل‌گیری

۱. «عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَسِيرَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فِي أَهْلِ الْبَيْتِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِعْبَتِهِ مِمَّا ظَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَدُهُ عَلِيمٌ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ لَسَيِّئَتْ شِعْبَتُهُ»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲. «عَنْ أَبِي حَمَزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ص إِنَّ عَلِيًّا ع سَارَ فِي أَهْلِ الْبَيْتِ إِذَا بَخِلَافِ سِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص فِي أَهْلِ الشَّرِكِ قَالَ فَغَضِبَ ثُمَّ جَلَسَ ثُمَّ قَالَ سَارَ وَاللَّهِ فِيهِمْ بِسِيرَةِ رَسُولِ اللَّهِ ص يَوْمَ الْفَتْحِ»، الكافي، ج ۵، ص ۳۳.

۳. مغازی در لغت از ماده «عَزَوُ» و به معنای جنگ و درگیری است و در اصطلاح، به اخبار جنگ‌هایی گفته می‌شود که در عصر پیامبر (ص) و به فرماندهی ایشان رخ داده است. «بررسی دانش مغازی نگاری با تاکید بر مغازی واقدی»، ص ۱۰۳.

۴. «أَخْبَرَنِي حَفْصُ ابْنِ غِيَاثٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيَّ بَعْضُ إِخْوَانِي أَنْ أَسْأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ مَسْأَلٍ مِنَ السِّيَرِ فَسَأَلْتُهُ وَ كَتَبْتُ بِهَا إِلَيْهِ فَكَانَ فِيهَا سَأَلْتُ أَخْبَرَنِي عَنْ الْجَيْشِ إِذَا غَزَوْا أَرْضَ الْحَرْبِ فَغَنِمُوا غَنِيمَةً ثُمَّ لِحَقَّهُمْ جَيْشٌ آخَرَ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجُوا إِلَى دَارِ الْإِسْلَامِ وَ لَمْ يَلْقُوا عَدُوًّا حَتَّى يَخْرُجُوا إِلَى دَارِ الْإِسْلَامِ هَلْ يُشَارِكُونَهُمْ فِيهَا فَقَالَ نَعَمْ»، الاستبصار، ج ۳، ص ۲.

۵. نک: المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰ و الكافي، ج ۵، ص ۳۳.

ماهیت آن نقش ایفا می‌کند.

## ۲.۱. فعل

عنصر اصلی در مفهوم سیره، فعل است؛ چنانکه واژه «سیر» - که بر رفتن و حرکت کردن دلالت دارد - فعل محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> ترادف معنایی واژه «سیره» با «مغازی» نیز نشان از ماهیت فعلی آن دارد.<sup>۲</sup> همچنین عناوینی که مؤلفان کتب حدیثی برای متون روایی شیعه برگزیده‌اند (اسامی ابواب حدیثی) نکته یاد شده را می‌رساند؛ چنان که ثقفی (۲۸۳ق) برای نمایاندن مضمون احادیثی که غالب آنها رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به بیت‌المال است، از واژه «سیره» استفاده کرده و آن باب را «سیرته ع فی المثال» نامیده است؛<sup>۳</sup> کلینی (۳۲۹ق) نیز بابی را با عنوان «سیره الإمام فی نفسه و فی المظعم و الملبس إذا ولی الأمر» گشوده و چهار حدیث ذیل آن نقل کرده است<sup>۴</sup> و شیخ مفید (۴۱۳ق)، نام یکی از ابواب کتاب الجمل را «فی سیره امیر المؤمنین علیه السلام فی أهل البصرة» گذاشته و سه حدیث در ذیل آن ذکر کرده است.<sup>۵</sup> از سوی دیگر، بعضی مصادیق که به عنوان سیره معصومان ذکر شده است (همچون مبارزه نظامی،<sup>۶</sup> لباس پوشیدن،<sup>۷</sup> آب آوردن، هیزم جمع کردن، خوردن و آشامیدن<sup>۸</sup>) خصوصیت فعلی سیره را افاده می‌دهد. با این همه، برخی از احادیث، حکایت از اشتغال سیره بر قول معصوم دارند که البته شمار آنها نسبت به احادیثی که فعل معصوم را سیره خوانده‌اند، بسیار اندک است. یک نمونه، روایتی است که در نقل سلوک اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از برخی

۱. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. سیری در سیره نویسی، ص ۲۹ و ۳۰.

۳. الغارات، ج ۱، ص ۳۱.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۰.

۵. الجمل، ص ۴۰۵.

۶. المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۸. الکافی، ج ۸، ص ۱۶۵.

ویژگی‌های گفتاری پیامبر ﷺ تعبیر به «سیره» نموده است.<sup>۱</sup> همین نمونه را نیز می‌توان چنین توجیه نمود که ذکر مصادیق گفتاری به عنوان سیره، از باب بیان ویژگی‌ها و توصیف فضائل اخلاقی پیامبر ﷺ است. در واقع راوی (هند بن ابی‌هاله) می‌گوید: پیامبر ﷺ «فحاش» نبود و این غیر آن است که بگوییم: «فحش نمی‌داد!» چراکه اولی اشاره به صفتی اخلاقی دارد که در طول حیات پیامبر ﷺ استمرار داشته است و دومی ترکِ فحش است که یک مصادق عینی از آن صفت محسوب می‌شود.

## ۲.۱. روش

باتوجه به شواهد متعدد لغوی و روایی چنین به دست می‌آید که دومین عنصر مؤثر در مفهوم سیره، روش است؛ چنانکه هیئت کلمه سیره (مصدر نوعی)<sup>۲</sup> - که بر چگونگی انجام فعل و گونه وقوع آن دلالت می‌کند - معنای روش / سبک را می‌رساند و فحوای برخی از متون روایی نیز روشمند بودن سیره معصوم را افاده می‌دهد.<sup>۳</sup> در واقع، رفتاری نشان دهنده منش و سلوک عملی معصوم است که روشمند باشد و از یک رویه خاص پیروی کند؛ زیرا یکی از خصوصیات آنکه موجب تمایز ماهوی سیره معصوم از دیگر رفتارهای مشابه می‌گردد و یا سیره یک معصوم با معصوم دیگر را متفاوت می‌سازد، روش و طریقه‌ای است که عملکرد معصوم به وسیله آن انجام گرفته است. برای نمونه، سیره پیامبر ﷺ در امور فردی، به دلیل برخورداری از روش ساده‌زیستانه با سیره پادشاهان متفاوت بوده است<sup>۴</sup> و سیره

۱. «قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ سَأَلْتُ خَالَيَ هِنْدَ بْنَ أَبِي هَالَةَ عَنْ حَلِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقُلْتُ كَيْفَ كَانَ سَيْرَتُهُ فِي جُلُوسَاتِهِ فَقَالَ كَانَ دَائِمًا الْبِشْرَ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بَقَطِّ وَلَا غَلِيظَ وَلَا صَخَّابَ وَلَا فَحَّاشٍ وَلَا عَيَّابٍ وَلَا مَرَّاحٍ وَلَا مَدَّاحٍ يَتَعَاوَلُ عَمَّا لَا يَشْتَهِي فَلَا يُؤَيِّسُ مِنْهُ وَلَا يُخَيِّبُ فِيهِ مُؤَمِّلِيهِ»، عيون أخبار الرضا ﷺ، ج ۱، ص ۳۱۹.

معنایی که تعابیر «لیس بقط»، «لا فحاش» و «لا عیاب» افاده می‌دهند، همگی خصوصیتی زبانی است و توسط قول اتفاق می‌افتد.

۲. القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳. نمونه‌های روایی مرتبط با این مؤلفه، در ذیل عنوان «نشانه‌های روش» مورد بحث قرار گرفته است.

۴. سیره پیامبر خاتم، ج ۲، ص ۲۱۷.



امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در تعامل با منافقان به دلیل روش مجاهدانه با سیره پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرق داشته است.<sup>۱</sup> افزون بر آن، روشمندی یک رفتار، زمینه استمرار فعل معصوم را فراهم می‌آورد و آن را از دریچه تنگ زمان بیرون می‌کشد و و امتداد تاریخی آن را نشان می‌دهد. برای نمونه در سیره سیاسی، گاه حکومت پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ را مطالعه می‌کنیم و گاه سبک حکومت پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ را؛ حکومت پیامبر عَلَيْهِ السَّلَامُ امری تاریخ‌مند است، مکان خاصی دارد و وابسته به موقعیت است، اما سبک حکومتی حضرت امری فرازمانی است و می‌توان از آن قواعد جهان‌شمول استنباط کرد.<sup>۲</sup>

### ۲،۳. استمرار

سومین عنصر تأثیرگذار در مفهوم سیره «استمرار» است؛ چنانکه در برخی از کتب لغت، واژه «سیر» به جریانی که شب و روز امتداد دارد، معنا شده است.<sup>۳</sup> همچنین در برخی متون روایی شیعه، به ایستا نبودن «سیره» و تداوم رفتار معصوم تصریح و با عبارت ترکیبی «کان + فعل مضارع»،<sup>۴</sup> «مازال»<sup>۵</sup> و دیگر ادوات استمرار نشان داده شده است. افزون بر آن، لازمه روش‌مندی سیره، استمرار آن است و زمانی می‌توان از فعل معصوم «روش» برداشت کرد که آن فعل در جریان بوده و تداوم داشته باشد؛ چنانکه این ویژگی (استمرار)، سبب امتداد اجتماعی سیره اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ گردیده و بدان قابلیت الگوگیری بخشیده است. البته این

۱. «مقایسه و تحلیل مواجهه رسول اکرم و امیرمومنان با منافقان» حدیث حوزه، شماره ۹، صص ۵-۱۷.

۲. نک: «روش‌شناسی در نگارش سیره»، سیره پژوهی (سلسله نشست‌های علمی گروه سیره معصومین)، ص ۴۰.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۱۲۰.

۴. «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَشْبَهَ النَّاسِ طِعْمَةً وَ سَيْرَةً بِرَسُولِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ يَأْكُلُ الْخُبْزَ وَ الرَّيْتَ وَ يُطْعِمُ النَّاسَ الْخُبْزَ وَ اللَّحْمَ»، الكافي، ج ۸، ص ۱۶۵.

۵. «مَا اعْتَلَجَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمْرًا لِلَّهِ أَخَذَ بِأَسَدِهِمَا وَ مَا زَالَ عِنْدَكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا عَمَلَتْ يَدُهُ يُؤْتِي بِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ وَ إِنْ كَانَ لِيَأْخُذُ السَّوِيقَ فَيَجْعَلُهُ فِي الْجِرَابِ ثُمَّ يَخْتِمُ عَلَيْهِ مَخَافَةَ أَنْ يُزَادَ فِيهِ مِنْ غَيْرِهِ وَ مَنْ كَانَ أَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»، الغارات، ج ۱، ص ۵۴.

نکته با عدم اشتراط «تکرار» در مفهوم سیره منافاتی ندارد؛ چرا که اساساً بین دو واژه «تکرار» و «استمرار» تفاوت وجود دارد و تکرار به معنای انجام چند باره فعل است و استمرار به معنای دوام و امتداد فعل؛<sup>۱</sup> ازسوی دیگر، مطالعه برخی از نمونه‌های عینی سیره اهل بیت علیهم‌السلام نشان از رخداد واحدی دارد که در عین یکبارگی، درازنا و قابل امتداد است؛ چنانکه رفتار امیرالمومنین علیه‌السلام با اصحاب جمل اگرچه یک بار به وقوع پیوسته است، اما منش و روش حضرت در آن رفتار، به گونه‌ای بوده که بدان امتداد بخشیده و آن را قابل تأسی کرده است.

### ۳. نشانه‌های مفهومی سیره

شناخت مؤلفه‌های مفهومی سیره (فعل، روش و استمرار)، دو پیامد مهم در پی دارد: نخست، تمییز مفهوم سیره از واژگان همسو و هم معنای آن و دوم، تشخیص مصادیق و نمونه‌های عینی سیره. اما شناسایی مؤلفه‌های یاد شده، خود نیازمند نشانه‌ها و علائمی است که وجود آنها را بنمایاند و چگونگی دستیابی به آنها را نشان دهد؛ چراکه، احراز روشمند بودن فعل معصوم چیزی نیست که با مطالعه گزارش رفتار معصوم به دست آید و تشخیص مستمر بودن فعل نیز امری ساده و در دسترس نیست که از ظاهر متون رفتاری فهمیده شود. بنابراین، باید با بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف متنی و فرامتنی، برای تشخیص مؤلفه‌های مفهومی سیره اقدام شود. نشانه‌های مورد نظر، از یک جهت به دو دسته کلامی و مقامی تقسیم می‌شوند؛ نشانه‌های کلامی، نشانه‌هایی هستند که با الفاظ و واژگان متن، نقش ایفا می‌کنند و نشانه‌های مقامی، نشانه‌هایی است که با قرائن غیر لفظی و شناخت فضای حاکم بر متن کارایی دارند. همچنین می‌توان نشانه‌های مفهوم شناسانه را بر اساس عناصر سه‌گانه سیره در سه دسته فعل، روش و استمرار قرار داد که به دلیل بهره‌عملی بیشتر، از این مدل برای دسته‌بندی نشانه‌های یاد شده استفاده شده است.

۱. المصباح المنیر، ج ۲، ص ۵۶۸ و ۵۳۰.

### ۳.۱. نشانه‌های فعل

واژه «فعل» در لغت به معنای عمل و کردار است<sup>۱</sup> و در اصطلاح، به حسب دانش‌هایی که در آن استعمال شده، تعاریف متفاوتی یافته است. لکن تعاریف ارائه شده در انعکاس حقیقت فعل معصوم، موفق نبوده و همه ابعاد آن را روشن نساخته است؛ چراکه، فعل معصوم گاه مستقیماً و به منظور القای یک پیام دینی صادر می‌شود (کنش)، و گاه در مواجهه با موقعیتی بیرونی انجام می‌پذیرد (واکنش)؛ گاه به شکل ایجادی و انجام فعل رخ می‌دهد (انجام) و گاه به شکل امساک و واگذاشتن فعل ظهور دارد (ترک)؛ همچنین گاه معصوم چیزی را با سکوت و سکون خود تایید می‌کند (تقریر) و گاه با رد قولی یا فعلی، آن را انکار می‌نماید. از این رو، با مطالعه موردی گزاره‌های رفتاری معصوم می‌توان چنین گفت که: «فعل، هرگونه کنش و واکنش غیر قولی است که در مواجهه با وقایع جاری زمان ظهور پیدا می‌کند؛ خواه ایجادی باشد یا امتناعی، مستمر و تکرار پذیر باشد یا مقطعی و دفعی». بر پایه این تعریف، افعال معصوم از دو گونه نشانه برخوردار است: یکی نشانه‌ای که موارد مشمول از مفهوم فعل را نشان می‌دهد و دیگری، نشانه‌ای که افراد خارج از مصادیق فعل را می‌نمایاند. بر این اساس، ترک معصوم جزء افعال ایشان محسوب شده و قول معصوم از دایره افعال خارج است و زمانی می‌توان بر فعل بودن عملکرد معصوم حکم کرد که آن عملکرد یا قول نباشد و یا ترک باشد.

اینکه «ترک» جزء افعال معصوم محسوب می‌شود، نکته‌ای است که بر پایه برخی مستندات دینی قابل اثبات است. چه، «ترک» به معنای بازداشتن نفس از ایجاد فعل است.<sup>۲</sup> در این تعریف، ترک امری وجودی و قابل نهی است و در برابر دیدگاهی قرار دارد که ترک را امری عدمی و غیرقابل تکلیف می‌داند.<sup>۳</sup> قائلان به فعل بودن ترک، مستندات متعددی اقامه کرده‌اند که استدلال به آیه شریفه «وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»<sup>۴</sup>

۱. نک: مصباح المنیر، ج ۲، ص ۴۷۸؛ معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۵۱۱.

۲. نک: التروک النبویة تأسیلاً و تطبیقاً، ص ۵۱-۵۲.

۳. نک: جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ج ۳، ص ۲۹۶.

۴. فرقان: ۳۰.

از آن جمله است؛ آنان بر این باورند که «مَهْجُور» در این آیه، به معنای متروک است و نسبت اخذ در «اتَّخَذُوا» به آن، نشان دهنده «فعل بودن ترک» است.<sup>۱</sup> همچنین معتقدند خداوند در آیه شریفه «وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ \* فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»<sup>۲</sup> با تعبیر «ذَرُوا» که به معنای «اترکوا» است، در واقع به «ترک» امر کرده و سپس با عبارت «فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا» به ترک، نسبت فعل داده است.<sup>۳</sup>

هرچند برخی از محققان، با استناد به این که ترکِ یک عمل، انگیزه‌های پنهانی دارد که انسان نمی‌تواند به آنها پی ببرد، قائل به عدم اشمال سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) بر سیره‌های سلبی و در نتیجه تمایز مفهومی ترک و فعل شده‌اند.<sup>۴</sup> لکن باید افزود که این دست از ابهامات در مورد فعل هم صادق است و اختصاصی به ترک معصوم ندارد؛ مانند اینکه شاید رفتار پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای مخاطب خاصی بوده و یا عذری برای انجام داشته و یا مصلحتی در میان بوده است. افزون بر آن، اینگونه موارد در مباحث مقدماتی سیره پژوهی مورد توجه قرار می‌گیرد و با پذیرش این که فعل یا ترک معصوم عاری از هرگونه شرایط خلاف ظاهر بوده است، مورد استناد واقع می‌شود؛ یعنی فرض بر آن است که مسئله پنهان و پوشیده‌ای در میان نبوده و معصوم در حال علم و اختیار و بدون وجود مانع عمل کرده است.

افزون بر آن، نمونه‌های فراوانی از تروک النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) گزارش شده است که محدودیت یاد شده را نداشته و به عنوان سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شناخته می‌شود؛ چنانکه روایاتی که از روی نچرخاندن حضرت از مخاطب و بیرون نکشیدن دست به هنگام مصافحه و دراز نکردن پا در برابر هم‌نشین خبر می‌دهد، از این موارد است.<sup>۵</sup>

۱. أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۶، ص ۴۹.

۲. بقره: ۲۷۸ و ۲۷۹.

۳. نک: همان، ص ۳۱۸.

۴. «روش شناسی در نگارش سیره»، سیره پژوهی (سلسله نشست‌های علمی گروه سیره معصومین)، ص ۴۰ و ۴۲.

۵. «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا اسْتَقْبَلَهُ الرَّجُلُ فَصَافَحَهُ لَا يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْ يَدِهِ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ يَنْزِعُ، وَلَا يَضْرِفُ وَجْهَهُ عَنْ وَجْهِهِ حَتَّى يَكُونَ الرَّجُلُ هُوَ الَّذِي يَصْرِفُهُ، وَلَمْ يَرْ مُقَدِّمًا رُكْبَتَيْهِ بَيْنَ يَدَيْ جَلِيسٍ لَهُ»، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۳۷۰.

## ۳،۲. نشانه‌های روش

واژه «روش» در لغت، مترادف کلماتی چون طریق و شیوه است<sup>۱</sup> و در اصطلاح، به مجموعه طریقی گفته می‌شود که انسان را به کشف مجهولات هدایت کند؛ همچنین هرگونه کاربرد ابزار مناسب برای رسیدن به مقصود، روش خوانده شده است.<sup>۲</sup> لکن آنچه از معنای روش در اینجا قصد شده، چگونگی انجام فعل یا ترک عمل است که برای هدفی مشخص صورت گرفته است.

روش مندی سیره معصوم خصوصیتی است که در بسیاری از موارد از طریق فهم متن و تحلیل محتوای حدیث فهمیده می‌شود؛ با این همه، نشانه‌هایی وجود دارد که شناسایی این مؤلفه محوری را تسهیل می‌نماید و احراز عنصر روش در سیره را میسر می‌سازد. یکی از قراین دال بر روش مندی رفتار معصوم، «مصدر نوعی» است که وجود روش در رفتار معصوم را افاده می‌دهد؛ به طوری که در تبیین معنای سیره نیز به همین خصوصیت واژگانی استناد شده و سیره را به معنای نوع رفتن دانسته‌اند.<sup>۳</sup> بر این اساس، روایاتی که با این نوع ادبیات از رفتار معصوم خبر می‌دهند، در حقیقت روشمند بودن رفتار ایشان را نشان می‌دهند و بر وجود عنصر روش در سیره معصوم رهنمود دارند.<sup>۴</sup>

ذکر کیفیت و «چگونگی انجام فعل»، از دیگر نشانه‌هایی است که به تشخیص روشمند بودن رفتار معصوم کمک می‌رساند. چراکه برخی از احادیث، افزون بر گزارش یک فعل خاص از معصوم، طریقه انجام آن را نیز روایت می‌کند و مخاطب را از طرز انجام آن آگاه می‌سازد. برای مثال، احادیثی که نحوه مسواک زدن و غذا خوردن امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل

۱. نک: فرهنگ واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی.

۲. نک: روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۲۴.

۳. المحکم و المحيط الأعظم، ج ۸، ص ۵۷۱؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۱۹.

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُتَّكِنًا مُنْدُ بَعَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى أَنْ قَبَضَهُ وَ كَانَ يَأْكُلُ إِكْلَةَ الْعَبْدِ وَ يَجْلِسُ جَلْسَةَ الْعَبْدِ قُلْتُ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ تَوَاضَعاً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»، الكافي، ج ۶، ص ۲۷۰.

می‌کند<sup>۱</sup> و یا چگونگی نشستن پیامبر ﷺ را گزارش می‌کند<sup>۲</sup> و یا کیفیت سجده امام کاظم علیه السلام را حکایت می‌کند،<sup>۳</sup> درحقیقت از نقش روش در کنش و واکنش معصوم خبر می‌دهد و نظام‌مندی رفتار ایشان را نشان می‌دهد.

نشانه دیگری که بیانگر روشمند بودن رفتار معصوم است، ذکر «ترتیب یا تعداد فعل» است. زیرا بیان ترتیب و توالی یک فعل مشخص و یا ذکر حد و اندازه عددی آن، از نشانه‌هایی است که می‌تواند به تشخیص عنصر روش در رفتار معصوم بیانجامد. برای نمونه، روایتی که تعداد شانه زدن پیامبر ﷺ را نقل می‌کند<sup>۴</sup> و یا ترتیب روغن مالیدن ایشان را گزارش می‌دهد،<sup>۵</sup> در واقع به روش حضرت در انجام افعال یاد شده اشاره می‌کند و از منطق عملی ایشان خبر می‌دهد.

### ۳،۳. نشانه‌های استمرار

واژه «استمرار» در استعمال لغوی، به معنای ثبات و دوام است<sup>۶</sup> و با کلماتی همچون بقا، تداوم، پیوستگی و همیشگی، مترادف و هم‌معناست. این کلمه، وقتی نسبت به رفتار معصوم به کار می‌رود، بر دو گونه مختلف استعمال می‌شود: یکی استمرار ذاتی یا درونی و دیگری استمرار عرضی یا بیرونی. منظور از استمرار درونی، استمراری است که در نهاد

۱. «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَسْتَاكُ عَرَضًا وَيَأْكُلُ هَرْتًا وَقَالَ الْهَرْتُ أَنْ يَأْكُلَ بِأَصَابِعِهِ جَمِيعًا»، الكافي، ج ۶، ص ۲۹۷.
۲. «كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَجْلِسُ ثَلَاثًا الْقُرْفُصَا وَهُوَ أَنْ يُقِيمَ سَاقِيهِ وَيَسْتَقْبِلُهُمَا بِيَدَيْهِ وَيَشُدُّ يَدَهُ فِي ذِرَاعِهِ وَكَانَ يَجْمُو عَلَى رُكْبَتَيْهِ وَكَانَ يَتْنِي رَجُلًا وَاحِدَةً وَيَبْسُطُ عَلَيْهَا الْأُخْرَى»، الكافي، ج ۲، ص ۶۶۱.
۳. «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الثَّالِثَ عليه السلام سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ فَأَفْتَرَسَ ذِرَاعَيْهِ فَأَلْصَقَ جُجُؤَهُ وَبَطْنَهُ بِالْأَرْضِ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ كَذَا تُحِبُّ»، الكافي، ج ۳، ص ۳۲۴.
۴. «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُسْرَحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ»، الخصال، ج ۱، ص ۲۶۸.
۵. «وَكَانَ صلى الله عليه وآله إِذَا أَذَهْنَ بَدَأَ بِحَاجِبِيهِ ثُمَّ بِشَارِبِيهِ ثُمَّ يَدْخُلُهُ فِي أَنْفِهِ وَيَسْمُهُ ثُمَّ يَدَهُنْ رَأْسَهُ»، مكارم الاخلاق، ص ۳۳.
۶. مصباح المنير، ج ۲، ص ۵۶۸.

و ذات فعل وجود دارد و بدان قابلیت جریان و امتداد می‌بخشد، مانند سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل که تنها یک بار به وقوع پیوست، اما رسالت و پیام آن استمرار یافت و در همیشه تاریخ جریان پیدا کرد.<sup>۱</sup>

مقصود از استمرار بیرونی، استمراری است که در عالم واقع و ما به ازای خارجی فعل تحقق می‌یابد، مانند سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مواجهه با منافقان که پیوسته شیوه مدارا را در پیش می‌گرفتند و از مقابله نظامی با آنها خودداری می‌ورزیدند.<sup>۲</sup> استمرار نوع اول، امری اکتشافی است که با تحلیل و پردازش رفتار معصوم قابل دریافت است، ولی استمرار نوع دوم، امری اکتسابی است که به کمک برخی قواعد کلامی و مقامی به دست می‌آید.

یکی از انواع نشانه‌های استمرار در رفتار معصومان، نشانه‌های کلامی است که با بهره‌گیری از قواعد ادبی و ویژگی‌های زبانی به دست می‌آید.<sup>۳</sup> برای مثال، ترکیب «کان و فعل مضارع» از شایع‌ترین این دست از نشانه‌هاست<sup>۴</sup> و یا ترکیب «کان و جمله اسمیه» از دیگر مصادیق این گروه از نشانه‌هاست.<sup>۵</sup> همچنین قاعده «نفی و استثنا» از دیگر مواردی است که افزون بر افاده معنای حصر، معنای تداوم و ماندگاری را هم می‌رساند.<sup>۶</sup>

انجام مکرر یک فعل خاص در موقعیت‌های مختلف، از دیگر نشانه‌هایی است که استمرار و امتداد فعل معصوم را نشان می‌دهد. برای نمونه، ایجاد تفاوت در مسیر آمد و شد، یکی از

۱. «عَنْ بَكَّارِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ لَسِيرَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي أَهْلِ الْبَصْرَةِ كَانَتْ خَيْرًا لِشِيعَتِهِ بِمَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَذْهُ عَلِيمٌ أَنَّ لِلْقَوْمِ دَوْلَةً فَلَوْ سَبَّاهُمْ لَسَبَيْتُ شِيعَتَهُ»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲. «ان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لم یقاتل منافقاً قط إنما کان يتألفهم»، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۵۸.

۳. نک: «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین»، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۹۳، ص ۳۹-۴۵.

۴. «أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ يَلْبَسُ الْخَشِينَ يَلْبَسُ الْقَمِيصَ بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ»، الكافی، ج ۱، ص ۴۱۱.

۵. «كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام إِذَا هَالَهُ شَيْءٌ فَنَزَعَ إِلَى الصَّلَاةِ»، الكافی، ج ۳، ص ۴۸۰.

۶. «مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم رَجُلًا قَطُّ فَتَرَغَ يَدُهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْهُ»، الكافی، ج ۲، ص ۱۸۲.

رفتارهایی است که پیامبر ﷺ پیوسته انجام می‌داد<sup>۱</sup> و یا تکرار افعال پنج‌گانه غذا خوردن با بردگان، سوار شدن بر الاغ بی پالان، دوشیدن شیر بز، پوشیدن لباس پشمی و سلام کردن بر کودکان از دیگر رفتارهایی است که رسول خدا ﷺ بر آن مواظبت می‌نمود.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از انواع نشانه‌های استمرار در سیره معصومان، نشانه‌های مقامی (غیر کلامی) است که با شناختِ خصوصیت و موقعیت رفتار معصوم، تداوم و مانایی فعل را به دست می‌دهد؛ چنانکه فرازمانی و جهان‌شمول بودن رفتار، از جمله نشانه‌هایی است که مستمر بودن فعل معصوم را می‌رساند.<sup>۳</sup>

در مثل، رفتارهایی مانند عدالت‌ورزی و ظلم‌ستیزی که از بن‌مایه‌های فطری و انسانی برخوردارند، از جمله افعال مستمر و مداوم امیرالمؤمنین علیؑ است که با گذر زمان کهنه نمی‌شود و از طراوت نمی‌افتد.<sup>۴</sup>

۱. «أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ غَدَا مِنْ مَرَّتِي فِي طَرِيقِ ضَبِّ وَ رَجَعَ مَا بَيْنَ الْمَأْزَمَيْنِ وَ كَانَ إِذَا سَلَكَ طَرِيقاً لَمْ يَزْجِعْ فِيهِ»، الكافي، ج ۴، ص ۲۴۸.

۲. «حَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَمِيدِ وَ رُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكِّفاً وَ حَلْبِي الْعِزْرَ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّيِّبَانِ لِيَتَكُونَ سُدَّةً مِنْ بَعْدِي»، الامالی (للمدوق)، ص ۷۲. شایان ذکر است که «سنت» در ادبیات روایی پنج معنا دارد که در اینجا معنای سبک رفتاری را افاده می‌دهد. نک: شناختنامه حدیث، ج ۱، ص ۴۷.

۳. معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیّر در روایات، ج ۱، ص ۵۳.

۴. الغارات ج ۱، ص ۴۶.



## نتیجه گیری

برآیند بررسی احادیث شیعه درباره مفهوم و ماهیت سیره می‌فهماند:

۱. واژه سیره یکی از اصطلاحات پر سابقه و پر دامنه در احادیث شیعه است که با واژگانی چون سنت و مغازی به صورت همنشین به کار رفته است.
  ۲. برآیند داده‌های واژگانی، اصطلاحی و استعمالی درباره «سیره»، می‌فهماند: سه مؤلفه فعل، روش و استمرار در شکل‌گیری مفهوم «سیره» تاثیرگذار است و جزء عناصر اصلی آن محسوب می‌شود.
  ۳. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده نشانه‌هایی دارد که قدرت تمییز آنها را فراهم می‌سازد. نشانه‌های فعل به دو دسته نشانه‌های حاوی و نشانه‌های نافی تقسیم می‌شود.
- ترک معصوم از مصادیق گونه نخست و قول معصوم از مصادیق گونه دوم است. مصدر نوعی، چگونگی انجام فعل و ذکر ترتیب و تعداد فعل از جمله نشانه‌های روش است و نشانه‌های استمرار نیز در دو دسته نشانه‌های کلامی مانند ادوات استمرار و نشانه‌های مقامی مانند خصوصیت فرازمانی قرار می‌گیرد.

## کتابنامه

۱. الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، طوسی، محمد بن حسن، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
۲. أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن، شنقيطی، محمدامین، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۷.
۳. الأمالی، ابن بابويه الصدوق، محمد بن علی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۴. الخصال، ابن بابويه الصدوق، تهران، جاویدان، ۱۳۶۲.
۵. القاموس المحيط، فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۵.
۶. المحکم و المحيط الأعظم، ابن سیده، علی بن اسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۱.
۷. المسترشد في إمامة أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام، طبری، محمد بن جریر، تهران، مؤسسة الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۵.
۸. المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی، فیومی، احمد بن محمد، قم، مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۹. «برسی دانش مغازی نگاری با تأکید بر مغازی واقدی»، یعقوبی، مهدی و حامد منتظری مقدم، معرفت، ش ۱۹۶، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱-۱۱۶.
۱۰. تاج اللغة و صحاح العربية، جوهری، اسماعیل بن حماد، بیروت، دارالعلم للملایین، بی تا.
۱۱. التبیان في تفسیر القرآن، طوسی، محمد بن حسن، بیروت، دار احیاء التراث العربي، بی تا.
۱۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۱۳. تروک النبویة تأصیلاً و تطبیقاً، اتربی، محمد صلاح، قطر، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۴۳۳ ق.
۱۴. تفسیر الصافی، فیض کاشانی، محمد، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. التوحید، ابن بابويه الصدوق، محمد بن علی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۱۶. تهذیب الأحکام، طوسی، محمد بن حسن، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵.
۱۷. جامع العلوم في إصطلاحات الفنون، احمدنگری، عبد النبی، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۵.

۱۸. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ارل بیبی، ترجمه: رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۱۹. سنن الترمذی، ترمذی، محمد بن عیسی، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۲۰. سیره پیامبر خاتم، محمدی ری شهری، محمد، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۴.
۲۱. سیره نبوی (منطق عملی)، دلشاد تهرانی، مصطفی، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۳.
۲۲. سیره پژوهی؛ سلسله نشست‌های علمی گروه سیره معصومین، جمعی از نویسندگان، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۷.
۲۳. سیری در سیره نبوی، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۹۳.
۲۴. سیری در سیره نویسی، حجتی، سید محمدباقر، مشهد، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۱.
۲۵. شناختنامه حدیث، محمدی ری شهری، محمد، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۷.
۲۶. علوم الحدیث و مصطلحه، صبحی صالح، قم، المكتبة الحیدریة، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ابن بابویه الصدوق، محمد بن علی، تهران، جهان، بی تا.
۲۸. الغارات، ثقفی، ابراهیم بن محمد، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵.
۲۹. فرهنگ واژگان مترادف و متضاد زبان فارسی، خداپرستی، فرج الله، شیراز، دانشنامه فارس، ۱۳۷۶.
۳۰. «قواعد شناسایی احادیث سیره نزد فریقین»، مهریزی، مهدی، و غلامحسین میر، پژوهشنامه علوم حدیث تطبیقی، ش ۱، ۱۳۹۳، ص ۳۳-۵۳.
۳۱. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۳۶۳.
۳۲. لسان العرب، ابن منظور، محمد بن مکرم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۳۳. المحاسن، برقی، احمد بن محمد، قم، دار الکتب الإسلامية، بی تا.
۳۴. معجم المصطلحات الحدیثیة، غوری، عبدالماجد، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۲۸ ق.
۳۵. معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الأسانید، أعظمی، محمد ضیاء الرحمن، ریاض، اضواء السلف، ۱۴۲۰ ق.
۳۶. معجم مصطلحات الحدیث، حرش، سلیمان مسلم و حسین اسماعیل جمل، ریاض، مكتبة العبيکان، ۱۴۲۱ ق.
۳۷. معجم مصطلحات الرجال و الدراية، جدیدی نژاد، محمدرضا، قم، دار الحدیث،

- ۱۴۲۲ ق.
۳۸. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، احمد، قم، مكتب الإعلام الإسلامي، مركز النشر، ۱۴۰۴ ق.
۳۹. معيارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیّر در روایات، علی اکبریان، حسنعلی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۰. مفردات ألفاظ القرآن، راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۴۱. «مقایسه و تحلیل مواجهه رسول اکرم و امیرمومنان با منافقان»، بنی عصار، امیر، و مهدی مردانی، حدیث حوزه، ش ۹، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵-۱۱۷.
۴۲. مکارم الأخلاق، طبرسی، حسن بن فضل، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
۴۳. نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین، تصحیح صبحی صالح، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.